اخبار دیپلماسی

نخستین سفر رئیس‌جمهوری به سرزمین تنباکو

حسن روحانی در سفر به کوبا با رائول کاسترو دیدار می‌کند

حسن روحانی روز یکشنبه به دعوت رسمی همتای کوبایی خود به‌هاوانا می‌رود تا سومین رئیس‌جمهوری ایران باشد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این کشور سفر می‌کند. پرویز اسماعیلی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری چند روز پیش از انجام این سفر اعلام کرده بود، دیدار و گفت‌وگو با فیدل کاسترو رهبر ۹۰ ساله انقلاب کوبا، رائول کاسترو رئیس‌جمهوری این کشور، مذاکرات هیات‌های عالیرتبه دو کشور و امضای اسناد متعدد همکاری از اصلی‌ترین برنامه‌های پیش‌بینی شده برای رئیس‌جمهوری در کوباست.

نخستین سفر روحانی به کوبا و منطقه آمریکای لاتین در حالی صورت می‌گیرد که محمدجواد ظریف، وزیرخارجه کشورمان در ۳۱ مرداد ماه به‌هاوانا سفر و با مقامات این کشور انقلابی دیدار کرد. وزیرخارجه کشورمان در جریان سفر به‌هاوانا در فرودگاه این شهر مورد استقبال معاون وزیر خارجه کوبا و کامبیز شیخ‌حسنی، سفیر ایران در هاوانا قرار گرفت.

ظریف که به منظور انجام سفری منطقه‌ای و ملاقات با مقامات شش کشور به آمریکای لاتین سفر کرده بود به خبرنگاران گفت که «روابط ایران و کوبا در ابعاد سیاسی و اقتصادی و در زمینه علمی و فناوری حسنه است». رئیس دستگاه دیپلماسی کشور در جریان این سفر در محل یادبود «خوزه مارتی» رهبر جنبش استقبال کوبا حضور پیدا کرد و با اهدای تاج گل به وی ادای احترام کرد. او در دفتر یادبود این قهرمان کوبایی نوشت «اطمینان دارم که روح انقلابی خوزه مارتی در فرمانده فیدل، دولت و مردم کوبا پایدار است». این دیپلمات عالیرتبه کشورمان در جریان سفر دو روزه خود به‌هاوانا با وزیر تجارت خارجی کوبا نیز در خصوص تقویت همکاری‌های تجاری میان دو کشور به‌خصوص در حوزه انرژی، نانو و بیوتکنولوژی، بهداشت و درمان و همکاری‌های بانکی مذاکره کرد.

ظریف که به همراه یک هیأت اقتصادی ۸۰ نفره به کوبا سفر کرده بود در ادامه سفر خود در مراسم افتتاحیه نخستین نشست تجاری مشترک ایران و کوبا حضور پیدا کرد و تفاهمنامه همکاری بین اتاق‌های بازرگانی ایران و کوبا به امضا رسید.

وزیر امورخارجه همچنین با حضور در محل وزارت‌خارجه کوبا با همتای کوبایی خود دیدار کرد. دو دیپلمات ایرانی و کوبایی تأکید کردند، روابط سیاسی دو کشور در سطح بسیار عالی قرار دارد و در عرصه بین‌المللی و دوجانبه مناسبات خوبی بین دو کشور وجود دارد. ظریف همچنین با ریکاردو کابریساس، معاون رئیس‌جمهوری و وزیر اقتصاد این کشور در خصوص توسعه روابط دوجانبه به‌ویژه در حوزه‌های انرژی، بهداشت و درمان، همکاری‌های بانکی گفت‌وگو کرد و بر سر برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در آینده‌ای تبادل‌نظر کردند. دیدار دو ساعته با رائول کاسترو، رئیس‌جمهوری کوبا آخرین برنامه این دیپلمات ایرانی در جریان سفر به کوبا بود.

وزارت‌خارجه کوبا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: رئیس‌جمهوری ایران، دکتر حسن روحانی به منظور یک دیدار رسمی از ۱۸ تا ۲۰ سپتامبر به کوبا سفر می‌کند. در بیانیه وزارت خارجه کوبا آمده است: رئیس‌جمهوری ایران در مدت اقامتش در کوبا با رائول کاسترو، رئیس‌جمهوری کنونی این کشور دیدار و رایزنی خواهد کرد. هم‌چنین در این بیانیه آمده است که رئیس‌جمهوری ایران با تعدادی دیگر از مقامات این کشور آمریکای لاتین دیدار خواهد کرد. رئیس‌جمهوری روحانی در حال حاضر در ونزوئلا به‌سر می‌برد و روز گذشته با حضور در هفدهمین اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها ریاست اجلاس «نم» را به همتای ونزوئلایی خود مادورو واگذار کرد.

گرچه روابط سیاسی دو کشور به پیش از انقلاب اسلامی برمی‌گردد ولی بعد از پیروزی انقلاب و حمایت کوبا از آرمان‌های انقلاب ایران روابط سیاسی دو کشور گرم‌تر شد و ایران در سال ۱۳۶۱ سفارتش را در هاوانا افتتاح کرد. مواضع مشترک این دو کشور انقلابی به‌ویژه در عرصه سیاست موجب نزدیکی هرچه بیش‌تر دو کشور شد. به گفته تحلیلگران گسترش روابط ایران با کشورهای این منطقه در دولت اصلاحات شتاب بیش‌تری به خود گرفت که کوبا نیز از این موضوع استثناء نبود. در سال ۱۳۷۹ حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد خاتمی به کوبا سفر کرد و یک‌سال بعد نیز فیدل کاسترو، رهبر و رئیس‌جمهوری وقت کوبا که در سال ۲۰۰۸ از قدرت کناره‌گیری کرد، سفر تاریخی به ایران داشت. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری پیشین ایران نیز در سال ۸۵ برای شرکت در چهاردهمین اجلاس سران غیرمتعهدها به کوبا رفت و در دی‌ماه‌سال ۱۳۹۰ در جریان سفری دوجانبه باری دیگر با مقامات این کشور در هاوانا دیدار کرد.

براساس آن‌چه سایت سفارت ایران در هاوانا اعلام کرده در سال‌های روابط دو کشور هیأت‌هایی در سطوح مختلف پارلمانی، سیاسی، اقتصادی، هنری و فرهنگی بین دو کشور مبادله شده است که این موضوع به تحکیم روابط و همکاری‌ها بر پایه احترام و منافع متقابل تهران و هاوانا منجر شده است. همکاری‌های دو کشور در این سال تنها به روابط دوجانبه محدود نبوده و تهران و هاوانا در بسیاری از محافل بین‌المللی حمایت‌های خوبی از مواضع یکدیگر داشته‌اند. برای نمونه بعد از توافق برجام، دولت کوبا موفقیت ایران در مذاکرات با گروه ۱+۵ را یک پیروزی برای ملت و دولت ایران و کشورهای مستقل جهان عنوان کرد. مقامات این کشور در ۱۲ سال کش‌مکشی که در مورد پرونده فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران در عرصه جهانی با فشار تحمیلی غرب وجود داشت از فعالیت‌های صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران در عرصه هسته‌ای حمایت کرد.

حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به مواضع ارتش سوریه

آمریکا: «این رویداد اتفاقی بوده» | روسیه: «این حمله اشتباهی نبوده»

عکس: AFP

در حمله هوایی نیروهای ائتلافی در ساعات پایانی شنبه به مواضع ارتش سوریه در منطقه دیرالزور نزدیک به ۹۰ تن از سربازان ارتش سوریه کشته و یکصد نفر مجروح شدند. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، هواپیماهای نیروهای ائتلافی در این حمله ۴ موضع را مورد اصابت قرار دادند. ارتش آمریکا پذیرفت که جنگنده‌های ائتلاف بین‌المللی مواضع ارتش سوریه در شرق این کشور را بمباران کرده‌اند. نماینده پنتاگون گفته است، آنها مطمئن بودند که مواضع داعش را بمباران می‌کنند اما نظامیان روسیه، اشتباه آنها را اعلام کرده و خواستار قطع حملات شدند.

وزارت امورخارجه سوریه اعلام کرد، دولت دمشق از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته تا حملات هوایی ائتلاف تحت رهبری آمریکا به مواضع ارتش این کشور را محکوم کند. دولت سوریه با خصمانه خواندن اقدامات این چنینی از سوی آمریکا، خواستار آن شده که واشنگتن از اقدامات مشابه در آینده پرهیز کرده و به تمامیت ارضی سوریه احترام بگذارد.

فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد، جنگنده‌های ائتلاف آمریکایی اقدام به بمباران یکی از مواضع نظامی ارتش سوریه در ارتفاعات الثرده در اطراف فرودگاه دیرالزور کردند که منجر به تلفات جانی نیروهای نظامی سوریه و به تجهیزات ارتش نیز خسارت‌هایی وارد شد. در این بیانیه فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه تأکید کرد که این اقدام یک تجاوز خطرناک و آشکار علیه سوریه و ارتش آن محسوب می‌شود و دلیل قاطعی بر حمایت آمریکا و هم‌پیمانانش از گروه تروریستی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی است و دروغ بودن ادعاهای آمریکا در مبارزه با تروریسم را مشخص می‌کند.

منابع نظامی روسی و سوری گزارش کردند که پس از بمباران این منطقه، تروریست‌های داعش به پیشروی پرداخته و بر جبل الثرده در اطراف فرودگاه دیرالزور مسلط شدند.

دیرالزور مرکز تحرکات گروه تروریستی داعش است و نیروهای دولتی سوریه تنها بخش‌های کوچکی از این منطقه را در کنترل خود دارند. شهر نفت‌خیز دیرالزور از سال ۲۰۱۴ در محاصره تروریست‌های داعشی است و کمک‌رسانی به ساکنان این شهر فقط از طریق پرتاب محموله‌ها توسط هواپیماهای باری انجام می‌شود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن شمار کشته‌شدگان این حمله را دست‌کم ۸۳ تن اعلام کرده و گفته بود که این سازمان، گزارش‌های خود را با استناد به اظهارات شاهدان عینی تنظیم می‌کند و به دلیل شرایط خاص حاکم در سوریه امکان تأیید این اطلاعات و تهیه گزارش‌های مستقل وجود ندارد.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه اما اعلام کرده که تعداد تلفات ارتش سوریه در این حملات به ۹۰ تن رسیده و این حملات یگان توپخانه‌ای و دیگر مقرهای ارتش سوریه را هدف قرار داد. دیده‌بان حقوق بشر سوریه گفته که تعداد این حملات دو بار و به مدت ۴۰ دقیقه بوده است. وزارت دفاع روسیه نیز گزارش کرد که چهار جنگنده آمریکایی شامل دو فروند اف-۱۶ و دو فروند ای-۱۰ با تجاوز به قلمرو سوریه از سمت مرزهای عراق در این بمباران مشارکت داشتند.

وزارت دفاع آمریکا اما می‌گوید که «نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا گمان برده‌اند که مواضع داعش را هدف قرار داده‌اند». مرکز فرماندهی ایالات متحده نیز اعلام کرد که نیروهای ائتلاف پس از آن که روسیه اطلاع داده که آنان مواضع ارتش سوریه را بمباران کرده‌اند، حملات هوایی را «فورا متوقف کرده‌اند». ارتش آمریکا گفته است که حادثه پیش آمده به دقت بررسی خواهد شد.

روسیه، آمریکا و نیروهای تحت حمایت آن را متهم به نقض آتش‌بس کرد. ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا اما بیانیه‌ای را منتشر کرده که در آن مقام‌های نظامی آمریکایی ضمن برعهده گرفتن مسئولیت بمباران مواضع ارتش سوریه، مدعی شده‌اند که این رویداد اتفاقی بوده و نقض توافق آتش‌بس محسوب نمی‌شود.

همچنین وزارت دفاع آمریکا گفته که روسیه چند روز پیش از وقوع این حمله از آن آگاه بوده است. در این‌باره، پیتر کوک، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفته است: «مقامات روس نگرانی خود را زمانی که به آنها ابلاغ کردیم که می‌خواهیم در منطقه دیرالزور دست به عملیات بزنیم، اظهار نکردند. کوک افزود: این حمله بنا بر اطلاعات ما انجام شد و اهداف از چند روز پیش تحت نظر بود. ما این عملیات را به طرف روس ابلاغ کرده بودیم».

با این حال، روسیه خواستار نشست فوری شورای امنیت شده و آمریکا این درخواست را «نمایشی و ریاکارانه» توصیف کرده است. همچنین سوریه دو نامه به شورای امنیت سازمان ملل ارسال کرد و خواستار محکوم کردن حملات هوایی نیروهای ائتلافی آمریکا به مواضع ارتش سوریه شد. اپوزیسیون نیز نارضایتی خود را از عملکرد نیروهای ائتلافی اعلام کرد. مشاور عالی کمیته مذاکره‌کننده سوریه نسبت به این اقدامات اظهار نگرانی کرد و گفت که حملات آمریکا به نفع شبه‌نظامیان داعش تمام می‌شود و این گروه نیروهای خود را تقویت می‌کند.

ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه با محکوم کردن حملات هوایی جنگنده‌های آمریکایی به مواضع ارتش سوریه، اعلام کرد که چنین اقدامی منافع تروریست‌های داعش را تأمین می‌کند. زاخاروا گفت: «اگر قبلا این ظن را داشتیم که اعضای جبهه النصره از چنین طریقی محافظت می‌شوند، اکنون پس از حملات هوایی به ارتش سوریه با این واقعیت وحشتناک روبه‌رو شدیم که آمریکا از داعش حمایت می‌کند». سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه همچنین خواستار ارایه توضیحات کامل و با جزییات، از سوی واشنگتن در شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

تنش میان نمایندگان روسیه و آمریکا در جلسه شورای امنیت

ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل اتهامات سنگینی را علیه ایالات متحده مطرح کرد. وی گفت این احتمال وجود دارد که این حمله هوایی «بی‌ملاحظه» به این دلیل انجام شده باشد که از برقراری آتش‌بس جلوگیری شود.

سفیر روسیه در سازمان ملل تأکید کرد که «اقدام ناگهانی آمریکا برای کمک به ارتش سوریه در مبارزه با داعش در شهر دیرالزور که منجر به حمله‌ای شد که جان ده‌ها سرباز را گرفت و ده‌ها تن دیگر را زخمی کرد، یک اشتباه ساده و صادقانه به نظر نمی‌رسد». سفیر روسیه در سازمان ملل افزوده است که «این رویداد تصادفی نبوده بلکه کاملا حساب شده و معنادار است؛ چرا که دقیقا دو روز پیش از آن که برنامه‌ریزی‌های روسیه-آمریکا کاملا اجرا شود، این رویداد رخ داده است».

سفیر آمریکا در سازمان ملل مراتب پشیمانی خود را بابت کشته‌شدن تعدادی از نظامیان سوری در جریان حمله هوایی آمریکا در سوریه ابراز داشت. سامانتا پاور، سفیر آمریکا در سازمان ملل ۳۰ دقیقه نسبت به این حمله هوایی ائتلافی که منجر به کشته‌شدن تعدادی از سربازان سوری شد، ابراز تأسف کرد و گفت: «حتی اگر تحقیقات کنونی ثابت کند که ارتش آمریکا مقصر بوده، باز هم ما هرگز قصد نداشتیم به ارتش سوریه حمله کنیم». سفیر آمریکا سپس به مدت ۱۵ دقیقه تلاش‌های مسکو برای مجبور کردن واشنگتن به توضیح دادن را محکوم کرد.

سامانتا پاور، سفیر آمریکا در سازمان ملل در واکنش به اتهامات طرح شده از سوی روسیه، این اظهارات را «نمایشی» خواند، و برگزاری یک نشست اضطراری را «تمسخرآمیز و ریاکارانه» توصیف کرد. او همچنین افزود که روسیه تا کنون در مورد حملات بی‌شماری که ارتش بشار اسد علیه غیرنظامیان ترتیب داده، توضیحی نداده است.

پاور برای توجیه اقدام آمریکا به خبرنگاران گفت: «روسیه تا به حال هرگز برای اقدامات دولت دمشق، شامل هدف قرار دادن غیرنظامیان، جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم گرسنه سوریه و استفاده از تسلیحات شیمیایی یا شکنجه ده‌هازار زندانی خواستار برگزاری نشست فوق‌العاده در شورای امنیت نشده است و مطرح‌شدن این مسأله از سوی سخنگوی وزارت خارجه روسیه درباره این که حمله به مواضع ارتش سوریه از سوی آمریکا کمک به داعش است، واقعا «بی‌شرمانه» است. سامانتا پاور همچنین در واکنش به اظهارات زاخاروا که واشنگتن را به دفاع از داعش متهم کرده بود، گفت: «نماینده وزارت خارجه روسیه باید از ایراد چنین اظهاراتی خجالت بکشد. اعضای داعش سر شهروندان آمریکایی را بریدند و ما ریاست ائتلافی برای از بین بردن این گروه را برعهده گرفتیم. داعش ۴۰ درصد از مناطق تحت سیطره‌اش را از دست داده است. این یک بازی نیست برای همین باید نماینده وزارت خارجه روسیه از اظهاراتش شرمنده باشد». در همین حال، چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل پس از نشست غیرعلنی شورای امنیت، به خبرنگاران گفت: «به‌شدت گمان می‌رود که آمریکا از قبل تصمیم گرفته بود که این حمله هوایی ویژه را در این زمان مشخص انجام دهد. چرا آمریکا پس از این همه سال ناگهان تصمیم گرفت تا به ارتش سوریه در دفاع از شهر دیرالزور کمک کند؟ سخت است باور کنیم که این حمله اشتباهی بوده است.» ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت‌خارجه روسیه نیز در صفحه خود در فیس‌بوک خطاب به سامانتا پاور نوشت: «برای این که معنای شرمندگی را بدانید به شما توصیه می‌کنم به سوریه بیایید و با مردم این کشور دیدار داشته باشید. دیدار با مردمی که با وجود ۶ سال جنگ در آنجا زندگی می‌کنند». زاخاروا ادامه داد: «من متعهد می‌شوم که هزینه سفر شما به سوریه را کامل بپردازم. نترسید. هیچ‌کسی آسیبی به شما نمی‌رساند مگر این که جنگنده‌های تان بار دیگر اشتباه کنند. در این صورت است که معنی واژه شرمندگی را درک خواهید کرد».

پاورقی

فروپاشی از درون (۱۵)

آشوب در لیبی از پس انقلاب

نویسنده: اسکات اندرسون | ترجمه: مینو میرزایی

نخستین شخصی که «مجدی المنقوش» در ساحل غربی «مصراته» دید، یک پسربچه ۸ یا ۹ ساله بود که دارت‌بازی می‌کرد. تمام خانه‌ها خالی بودند و توجه او به خودرویی جلب شد که در سایه دیوار یک خانه روستایی پارک شده بود.

مجدی از آن بچه پرسید: «پدرت اینجاست؟ مرا پیش او می‌بری؟»

او در آن خانه روستایی پدر بچه را ملاقات کرد؛ مردی حدودا ۳۰ ساله که از ورود ناگهانی مردی به آن سرزمین خالی از سکنه، هم شگفت‌زده بود و هم مشکوک. مجدی داستان خود را این گونه تعریف کرد که رژیم را رها کرده و درصدد رسیدن به خانواده خود است. نام خانوادگی‌اش به او کمک کرد، چراکه تقریبا همه خانواده «منقوش» را در مصراته می‌شناختند. نگرانی مرد فروکش و او را به داخل خانه دعوت کرد.

مجدی برای پذیرش واقعیت آماده نبود و هر چه بیشتر درباره جنگ در زادگاه خود می‌شنید، این حالت ناخوشایند فزونی می‌گرفت. از اواخر فوریه ۲۰۱۱ مصراته به‌شدت تحت سلطه نیروهای دولتی بود؛ ساکنان این شهر به غذا و دارویی که از راه دریا آورده می‌شد، تقریبا وابسته شده بودند. همزمان با نبرد سربازان با شورشیان کوچه به کوچه و نفر به نفر، همان‌طور که قذافی قول داده بود، ارتش توپخانه را مستقر کرده بود. محاصره با آغاز حملات هوایی ائتلاف غرب در اواخر ماه مارس تا حدودی کاهش یافته بود، اما مجدی همه جا می‌توانست خانه‌هایی را ببیند که توسط تانک‌ها ویران شده یا طعمه آتش شده بودند. ویرانی آن‌قدر زیاد بود که در برخی جاها حتی نمی‌توانست خیابان یا تقاطع را شناسایی کند. صاحب آن خانه روستایی مجدی را به منزل پدر و مادرش رساند. او با یادآوری خاطرات گذشته اشک می‌ریزد و می‌گوید: «من جلوی در ورودی رسیدم. نخستین شخصی که دیدم خواهرم بود و بعد عروس و فرزندان برادرم. فکر می‌کردم که هرگز آنها را نخواهم دید.» مجدی بقیه آن روز را در جمع خانواده گذراند. مطلع شد که وقتی پدرش به‌سختی بیمار بوده، والدینش با یک کشتی پزشکی به تونس رفته‌اند. همچنین فهمید که نه فقط دوستانش، بلکه خانواده او نیز در فهرست خائنان محلی که رژیم تهیه کرده بود، در نظر گرفته شده‌اند. برادر بزرگ‌تر او «محمد» یک گروه از خلبانان بالگرد جدا شده از نیروی هوایی را برای چندین هفته در خانه خود پنهان کرده بود. چنین به نظر می‌رسید که همه به انقلاب پیوسته و به آن متعهد شده‌اند؛ به هر حال مصراته متحمل رنج شده بود تا پایان کار را ببینند. مجدی در خلال گردهمایی خانوادگی هراز گاهی به اتاق خواب قدیمی خود می‌آمد و تلفنش را از جیب در می‌آورد و پشت رختخواب پنهان می‌کرد. می‌گوید: «نمی‌دانستم چه کار باید بکنم. فقط می‌دانستم که باید تلفن را مخفی کنم.» در هفته بعد، این پسر بازگشته به دامان مصراته، شگفت‌زده از ویرانی شهر با تعدادی از دوستانش ملاقات کرد و از تعداد آشنایان کشته شده و زخمی مطلع شد. در جریان همین ملاقات‌ها بود که فهمید آنچه به او درباره جنگ گفته شده بود، دروغی بیش نبوده است و هیچ جنایتکار و مزدور خارجی دست‌کم در میان شورشیان در کار نبوده. آنها فقط مردمی شبیه خانواده خودش بودند که برای ساقط کردن دیکتاتور از جان گذشته بودند. اما این آگاهی مجدی را در نقطه حساسی قرار داد. «ایوب»، طرف تماس او مطمئنا از رسیدنش به مصراته باخبر و منتظر بود که مجدی گزارش دهد. مجدی می‌خواست تلفن را دور بیندازد و چنان وانمود کند که انگار اتفاقی نیفتاده، اما بعد به این فکر افتاد که اگر رژیم برنده جنگ باشد، ممکن است عواقب این کار دامنگیر خانواده‌اش شود. اما این مسأله هم ذهنش را مشغول کرده بود که اگر شورشیان تلفن او را کشف می‌کردند و نام او فاش می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟ دانشجوی نیروی هوایی وقتی این احتمالات را در نظر گرفت، یک نقشه خلاقانه و خطرناک کشید. در اواسط ماه می، او پیش یک گروه شورشی رفت و همه ماجرا را گفت. مجدی خوب می‌دانست که یک جاسوس در زمان جنگ نمی‌تواند روی مهربانی دشمن حساب کند- ممکن بود شورشیان او را زندانی یا اعدام کنند- اما با وجود این مسأله او این کار را انجام داد. روز بعد، مجدی با ایوب تماس گرفت و قرار شد که دو روز بعد او را در یک آپارتمان خالی در مرکز شهر ملاقات کند. در زمان دیدار، یک گروه از کماندوهای شورشی مسلح حمله کردند و هر دو مرد را به زمین انداختند. مجدی و ایوب را در خودروهای جداگانه سوار کردند و به زندان بردند. زمانی که شورای نظامی شورشیان اعلام کرد که دو جاسوس رژیم در مصراته دستگیر شده‌اند، مجدی پیش خانواده‌اش بازگشته بود.

برای مجدی ۲۴ ساله آنچه که از پیشرفت و صلح در تونس می‌دید، در واقع سفری به سردرگمی و حیرت بود. او می‌گوید: «مدتی طول کشید تا باور کنم همه آنها واقعیت است.» مجدی می‌توانست به آسانی در تونس بماند، این چیزی بود که پدر و مادرش قطعا می‌خواستند؛ اما او پس از چند هفته بیقرار شد و حسی از نقصان او را در بر گرفت؛ فکر می‌کرد نقش او در جنگ کشورش کامل نشده است. می‌گوید: «فکر می‌کنم بخشی از آن فکر نوعی انتقام بود. من با ارتش همراه بودم؛ اما آنها به من دروغ گفتند و مرا بازیچه کردند و البته جنگ تمام نشده بود. مردم هنوز می‌جنگیدند و می‌مردند. به والدینم گفتن من انتخابی ندارم و باید به زادگاهم برگردم.» وقتی مجدی به مصراته بازگشت، بلافاصله در یک گروه شبه‌نظامی شورشی فعال شد؛ «بریگاد ذی قار». اما پیش از این که بتواند به‌طور کامل در آنجا مستقر شود، نیروهای حکومتی در پایتخت دچار فروپاشی شدند و دیکتاتور و معدود طرفدارانش به قسمت پایینی ساحل «سورت» عقب‌نشینی کردند که سرزمین مادری قذافی بود. مانند هر جای دیگر در لیبی، مبارزه در سورت بسیار عجیب و درهم بود، عملیات سنگین با یکنواختی دنبال می‌شد و برای مجدی این‌طور به نظر می‌رسید که این آهنگ جنگ، به شکلی نامحدود ادامه دارد. وقتی جنگ پایان گرفت، مجدی به مصراته بازگشت و به واحد غیرنظامی پیوست که بیشتر با شخصیت ملایم او سازگاری داشت. او به همراه کارکنان یک آمبولانس مجروحان بدحال را از بیمارستان مصراته به فرودگاه انتقال می‌داد تا بتوانند خارج از لیبی خدمات بهداشتی بهتری دریافت کنند. مجدی از این کار لذت می‌برد؛ چراکه پس از آن همه مرگ و ویرانی، مدرک ملموسی از بهبود به شمار می‌آمد و خوش‌بینی او را نسبت به آینده تقویت می‌کرد. در یکی از روزهای ماه سپتامبر در فرودگاه مصراته مجدی یک ملاقات‌کننده داشت. او «سامه الدریسی» بود برادر بزرگ‌تر دوستش جلال که ۵۰۰ مایل را از بنغازی آمده بود تا از مجدی چیزی بخواهد. انقلاب لیبی دو ماه پیش به پایان رسیده بود، اما ماه می آخرین باری بود که کسی از خانواده دریسی درباره جلال شنیده بود. در آن زمان، تنها یک ارتباط کوتاه تلفنی از همان دبیرستان در طرابلس از طرف جلال با خانواده‌اش برقرار شد؛ جایی که دانشجویان نیروی هوایی از هم جدا شدند و مجدی برای مأموریت جاسوسی رفت. مجدی با چنان سرسختی به دنبال دوست گمشده‌اش می‌گشت که گاهی حالت وسواس‌گونه پیدا می‌کرد. او به طرابلس بازگشت و به سراغ چند همکلاسی قدیمی رفت. با پرس‌وجو از آنان می‌توانست قطعات این معما را کنار هم قرار دهد. معلوم شد که در ماه می ۲۰۱۱ جلال در میان ۵۰ دانشجوی آکادمی در دبیرستان طرابلس بوده است که به آنان گفته شده بود به خط مقدم فرستاده می‌شوند تا تله‌های انفجاری را کنترل و از خطوط ارتباطی محافظت کنند؛ اما در واقع، دانشجویان به‌عنوان طعمه مورد استفاده قرار گرفتند، چراکه به خط مقدم فرستاده شدند تا به آنها شلیک شود، در حالی که سربازان جانشین رژیم نگاه می‌کردند تا ببینند که آتش دشمن از کجا می‌آید. وقتی دانشجویان از این مأموریت مطلع شدند، به فکر فرار افتادند. جلال و یکی از دوستانش توانستند خود را به یک مزرعه دورافتاده برسانند. آنها به یک کشاورز پیر التماس کردند تا آنها را به جنوب و جایی دور از منطقه جنگی ببرد؛ اما کشاورز به آنها خیانت کرد، دانشجویان را به نیروهای امنیتی تحویل داد و آنان نیز دانشجویان را به ارتش تحویل دادند. مردان جوان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و سپس برای مأموریت انتحاری فرستاده شدند. کمی بعد، دو دوست جلال تلاش دیگری برای فرار داشتند که موفقیت‌آمیز بود؛ اما جلال به‌بخشی دیگر در خط مقدم فرستاده شد.

این خبر مجدی را واداشت تا جست‌وجوی جدیدی را آغاز کند. او درنهایت یکی دیگر از همکلاسی‌های قدیمی را یافت تا داستان را کامل کند. روزی در ماه ژوئن یک گروه کوچک از دانشجویان —جلال و بقیه که توانسته بودند، زنده بمانند- در جاده‌ای در حومه جنوبی مصراته بیتوته کردند. افسری با خودرو آمد و از آنان گزارش وضع خواست. در همان لحظه موشکی که از یک هواپیمای ائتلاف غربی شلیک شده بود، خودروی افسر را منفجر کرد و اغلب دانشجویانی را که در آن نزدیکی بودند، کشت. در زمان انفجار موشک، جلال در فاصله ۵۰ یاردی از محل انفجار زیر درختی نشسته بود، اما ترکشی به سر او اصابت کرد و قسمت بالای سرش را شکافت. دوستانش مغز متلاشی‌شده جلال را زیر همان درخت دفن کردند و جسدش را با سایر مردگان برای انتقال به یک گورستان ناشناخته در کامیونی قرار دادند. مجدی می‌گوید: «من به یاد رویایی افتادم که او دیده بود؛ بله هر دوی ما برای جنگ به مصراته رفتیم اما او کشته شد.» برای اغلب مردم، این مرحله پایانی برای جست‌وجو است؛ اما برای مجدی این گونه نبود. او ایامی که در بنغازی با خانواده جلال سپری کرده بود و میهمان‌نوازی آنان را به یاد آورد و مصمم شد تا پیکر دوستش را پیدا کند و آن را به خانواده‌اش باز گرداند. پس از پرس و جوی زیاد از کارگزاران بی‌شمار دولت جدید انقلابی، مجدی بالاخره به گورستانی در طرابلس راهنمایی شد که خائنان در آنجا به خاک سپرده می‌شدند. جای ترسناکی پر از زباله بود و صدها قبر در آن قرار داشت. مجدی همه ردیف‌ها را نگاه کرد، اما نام جلال را ندید. در نهایت، به گوشه‌ای از قبرستان رسید که گوری با علامت «گمنام» در آنجا قرار داشت. لحظه‌ای دچار هیجان شد، با خود اندیشید که چون سر جلال متلاشی شده بود، امکان شناسایی او نبوده است، فکر کرد که همین، گور جلال است؛ اما بعد دریافت که سه گور گمنام دیگر نیز آنجا هست. به دفتر گورستان مراجعه کرد و تصاویر اجساد ناشناخته را خواست. اما هر چهار نفر آن‌قدر آسیب‌دیده بودند که امکان شناسایی آنان وجود نداشت. مجدی قانع شد که یکی از آنان جلال است. او خبر را به خانواده دریسی رساند و چند ماه بعد راهی بنغازی شد تا شخصا به آنان ادای احترام کند. مجدی با غم و اندوه می‌گوید: «ملاقاتی بسیار احساسی بود و من از آنان عذرخواهی کردم که نتوانستم مراقب جلال باشم. به‌طور قطع، جلال یکی از آن چهار نفر بود».

اخبار جهان

انفجار بمب در منهتن نیویورک

ایسنا | پلیس نیویورک از انفجار یک بمب در منطقه منهتن این شهر خبر داد، اما تأکید کرد که کسی در این انفجار کشته نشده است. آنگونه که پلیس می‌گوید، انفجار ناشی از بمبی کوچک بوده که در یک سطل زباله درخیابان ۲۳ در مرکز منهتن کار گذاشته شده بود. در این انفجار که بنا به گفته ساکنان محلی صدای بسیار مهیبی ایجاد کرده، دست‌کم ۲۹ تن زخمی شده‌اند اما منابع بیمارستانی تأکید دارند که وضع هیچ یک از آنها وخیم نیست و تهدیدی متوجه زندگی آنها نیست.

شهردار نیویورک پس از انفجار در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که حادثه عمدی بوده اما هنوز معلوم نیست که این انفجار یک اقدام تروریستی بوده است.

پیش‌بینی بالاترین میزان مرگ مهاجران در سال ۲۰۱۶

ایسنا | براساس پیش‌بینی سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، جهان احتمالا در سال‌جاری میلادی بالاترین آمار مربوط به مرگ مهاجران را تجربه خواهد کرد. پیش‌بینی تحلیلگران سازمان بین‌المللی مهاجرت حاکی از آن است که درسال ۲۰۱۶ تعداد تلفات مهاجران و پناهجویان از رقم بالای ۱۰هزار نفر فراتر خواهد رفت.

براساس برآوردها درحال حاضر ۶۵میلیون آواره درجهان وجود دارد. سال گذشته درسراسر جهان بیش از ۵هزار مورد مرگ مهاجران و پناهجویان ثبت شده است. در سال‌جاری میلادی نیز تاکنون این رقم به بیش از ۴هزار مورد رسیده است.

اوباما:

حتی داعش هم به اندازه زیر سوال بردن اعتبار محل تولدم ذهنم را درگیر نکرد

ایسنا | رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنانی از پایان یافتن جنجال مربوط به گواهی تولدش ابراز خشنودی کرد و درجمع سیاه‌پوستان آمریکا از آنها خواست تا با آمدن به پای صندوق‌های رأی میراث او را حفظ کنند. باراک اوباما، در سخنانی در یک انجمن سیاه‌پوستان به شدت دونالد ترامپ، نامزد جمهوریخواهان را هدف انتقادهای خود قرار داد.

این اظهارات درحالی مطرح شد که ترامپ پیشتر اذعان کرده بود که اوباما متولد آمریکاست و به جنجالی که مدت‌ها علیه این رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست آمریکا به راه انداخته بود، پایان داد. اوباما گفت: راحت شدم که حرف‌های مربوط به محل تولدم تمام شد. داعش، کره‌شمالی، فقر یا تغییرات آب و هوایی هیچ کدام به اندازه زیرسوال بردن اعتبار گواهی تولدم، ذهنم را درگیر نکرد. تنها ۱۲۰روز باقی مانده و نهایتا این مسأله حل شد.

پسر قذافی برای افشای اطلاعاتی در مورد امام موسی صدر شرط گذاشت

ایسنا | روزنامه الاخبار لبنان گزارش داد که پسر معمر قذافی برای افشای اطلاعاتی در مورد امام موسی صدر این شرط را گذاشته است که از زندان بیرون بیاید. روزنامه الاخبار گزارش داد، جلسه بازجویی از هانیبال قذافی، پسر معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی تنها محدود به جرم‌های کتمان اطلاعات نبوده است، بلکه اتهام دخالت در ربودن امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان نیز پس از آن علیه وی مطرح شد.

این روزنامه لبنانی نوشت: هانیبال قذافی اظهارات ضدونقیضی را درهنگام بازجویی مطرح کرد. وی ابتدا گفته بود که امام موسی صدر، به دستور عبدالسلام جلود، نخست‌وزیر وقت کشته شده، اما بعدا اظهارات خود را تکذیب کرد و گفت که امام موسی صدر به زندان سیاسی انتقال یافت و مدت طولانی را در آن‌جا ماند. زمانی که قاضی در مورد سرنوشت امام موسی صدر از وی پرسید، هانیبال قذافی گفت که اطلاعاتی دراختیار دارد که جز درصورت آزادی‌اش این اطلاعات را نمی‌گوید.